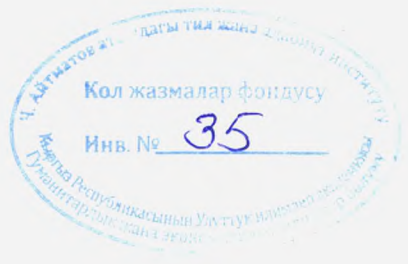
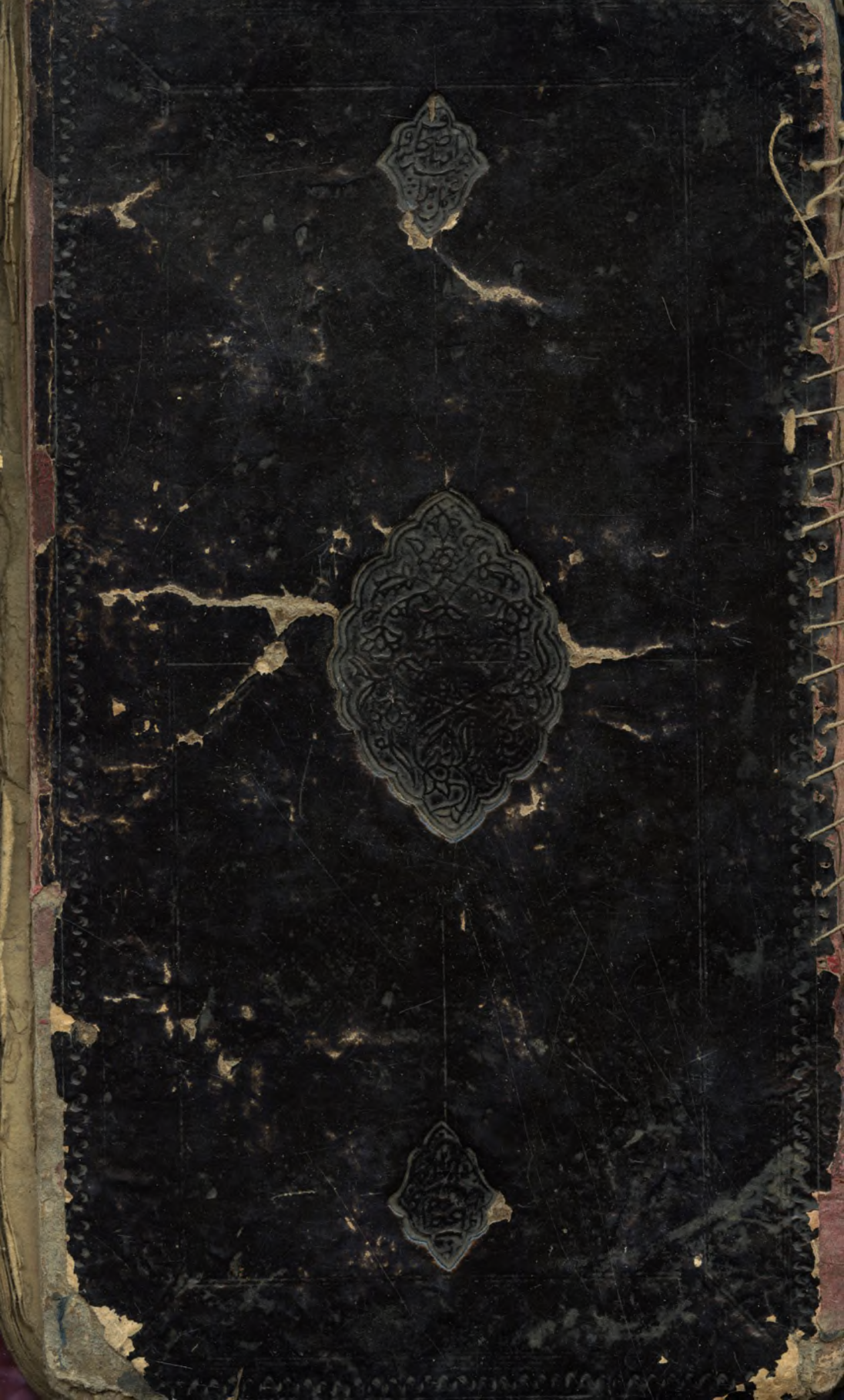


57
—
79





ملا تکیا بالکدی

یا زکریا ۳۹۵

دو لایه است او فلان در میان
بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بیاوج که بیاورد بسوی غر شادان
سر موی که ای خم شوی بکشکود

ادب که محبت نازتونی مندد
جو چشم بر بر سره بیباک می

بیا بخت نازتی سحر خیز تا فورم
بسم ای که با جید بند بستم

تقیم و نعت شیخ زار کج
بیم میاورد چشم تو مرا کی می

ببغیر شکل تو آسودوی ستمی
مدر و جیب خود دیدم برم بر

خو تا بوم و خاکه جلت بر ما نمندی
نزد در شادان و در شادانها

بیاوج بیباک

Handwritten notes in the top left corner, including the number 79.

درد است بر لب میز تو بکن
شکستند کشتی نثار در بره

اسی نفسی بر کوه نثار در بره
همه کمر تبا سوی اوزت نیکو در بره

کنفاج سوس کردی نثار در لو مطلب
مکرو خو و فرود نمانی کنفاج

خیا جلد دار است هم عالم دارد
ز جیب بند نشیند کوه نمانی

لازم هر دو وقت تیارم آری
بسیار مد کمرانی هم کردند خو



دلی می که زین
دل پیدا بسید

در زود آید
منزل نیز از قدیم

کوهان خست دهد که خرد سازم
تا به کشتی که نماند در میان

فضای خستند که با بچو دی
همه کمر تبا از کشتی نثار در بره

Large, faint handwritten text at the bottom of the page, possibly bleed-through or a continuation of the poem.

~~۴~~

۱۵

داده ما که مقدم نبی است از طرف ما
و ده تا نبی که تسمیع پرستیم

از خیر بر سر کوه شد طوفان ما
خو که درین عود و فیه ان ل نغز

ز قضا و اما نه در دست ستم
از ستمات نهار از طبع جرم

بجز یک ای که می نمود ز تو در
تدل تقصود کام اول فاده است

دندیا که در آفرینش جوهر
دو دو جام نجر حو که نصیب است

دیده بیقوت یا بایست که کعام
خوب پیشی ز ما در محض و انظاف

شعد سید جهان از ما در سوان
طرب است نظلم زره و ارجوی است

ز فانی ما که در پید کرد از دلا
بسته مویوم غیر از نفر است

بسما الحی است بدهنشی
جسم ما بریم ز نم از کی بود

۶۰
۵۰
۶۰ ۱۰ ۹۰ ۸۰
۶۰ ۱۰ ۹۰ ۸۰